

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۶، شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۹۷

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی در فضاسازی ادبیات شفاهی آذربایجان

الهام اندروodi^{*} ^۱ محمد شیخی ئیلانلو^۲

(دریافت: ۱۳۹۶/۷/۹، پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۵)

چکیده

فرهنگ عامه بازتاب باورها و آداب و رسوم مردم در تعامل با روش‌های زندگی بومی در مظاهر مختلفی از جمله ادبیات شفاهی است. همچنین معماری بومی به دست مردم در تعامل با جامعه و محیط طبیعی به وجود آمده و دارای ریشه‌های مشترک با فرهنگ عامه است. این مقاله به مطالعه فرهنگ عامه و معماری بومی با رویکرد میان‌دانشی پرداخته است. هدف از این پژوهش واکاوی بازتاب معماری بومی در سروده‌های عامیانه آذربایجان است. بدین منظور بیش از ۲۵۰۰ نمونه از دویتی‌ها، چیستان‌ها و ضربالمثل‌ها مطالعه شده‌اند و سروده‌هایی که به وصف معماری بومی پرداخته‌اند تحلیل شده‌اند؛ بدین ترتیب که بر پایه برداشت‌های میدانی چند روستای منتخب، بازتاب خصوصیات معماری بومی از جنبه دید و منظر، بافت پلکانی و فضاهای جمعی، بخش‌ها و عناصر خانه‌ها، و ساختار و جزئیات در فضاسازی سروده‌ها تشریح شده است. جمع‌بندی یافته‌ها نشان می‌دهد که فضای خانه همچون قلب زندگی به همراه تمامی عناصر و بخش‌های آن دارای بیشترین فراوانی موضوعی در میان سروده‌های است. این پژوهش چنین نتیجه گرفته است که در سروده‌های عامیانه خصیصه‌های کالبدی معماری بومی با حالتی شاعرانه و یا با استعاره و کنایه توصیف شده‌اند. گویی سرایندگان ارزش‌های غیرملموس فضاهای را درک کرده و

۱. استادیار دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

* andaroodi@ut.ac.ir

۲. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

آن‌ها را فراتر از عملکرد یا کالبد صرف، به مکانی بازتابنده فرهنگ زیست بومی تبدیل کرده‌اند. این پژوهش در رویکر آتی با طرح مشکل کم‌رنگ شدن خصوصیات وصفشده در سروده‌ها در معماری جدید بومی آذربایجان و فراموشی تدریجی سروده‌ها در ذهن نسل جدید، بر لزوم نگرش یکپارچه به حفاظت از مظاهر فرهنگی تأکید کرده است.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ عامه، معماری بومی، ادبیات شفاهی آذربایجان، سروده‌های عامیانه، روستایی پلکانی.

۱. مقدمه

فرهنگ عامه جلوه‌گاه ادبیات شفاهی است و به‌طور مستقیم بازتاب باورها، آداب و رسوم و زندگی روزمره عموم مردم است (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۲۰۶). ادبیات شفاهی گنجینه ارزشمندی برای شناخت خصوصیات قومی و عقیدتی برگرفته از ویژگی‌های سرزمینی مردم فراهم می‌کند. فضای زندگی روزمره عامه مردم به شکل معماری بومی می‌تواند الهام‌بخش فرهنگ عامه و سروده‌های عامیانه باشد. فضای زندگی همچون بخشی از میراث مصنوع بومی، انکاس فرهنگ جوامع و تنوع فرهنگ جهانی و نمایانگر رابطه مردم با محیط است (ICOMOS, 1999). میراث بومی به عنوان حافظه تاریخی اقوام هم شامل کالبد و بافت ساختارها و فضاهای و هم شامل شیوه‌های استفاده و درک فضاهای سنت‌ها و ارزش‌های غیرملموس همراه با آن‌هاست (Nas, 2002). این تعبیر به درستی انگیزه لازم برای انجام پژوهش بر روی جنبه‌های غیرملموس معماری بومی به عنوان بخشی از میراث بومی و بازتاب آن در دیگر مظاهر فرهنگ عامه به خصوص ادبیات شفاهی را ایجاد می‌کند.

مسئله این پژوهش مطالعه معماری بومی با رویکرد میان‌رشته‌ای و پیوند زدن آن با ادبیات شفاهی در یکی از پهنه‌های متنوع فرهنگی ایران یعنی آذربایجان است. هدف از پژوهش حاضر، واکاوی چگونگی بازتاب معماری بومی در سروده‌های عامیانه آذربایجان است. ضرورت پژوهش در یافتن پیوندهای متقابل جلوه‌های مختلف فرهنگی است تا همچون مثالی برای جامع بودن فرهنگ عامه اقوام ایرانی از جمله آذربایجان به کار گرفته شود. اهمیت انجام این پژوهش واکاوی مثالی از خصیصه‌های

مشترک فرهنگی است که همانند ریشه‌ای تنومند دارای شاخه‌های بهم تنیده از مظاهر مختلف است.

در بخش دوم این مقاله، تعاریف پایه و پیشینه مطالعات مرتبط با فرهنگ، فرهنگ عامه، معماری بومی، روستاهای آذربایجان و ادبیات شفاهی این منطقه ارائه شده است. بخش سوم به معرفی روش تحقیق اختصاص داده شده است. در بخش چهارم یافته‌های حاصل از مقایسه سروده‌های شفاهی به دو زبان ترکی آذربایجانی و فارسی با معماری بومی روستایی در پنج دسته کلی دید و منظر، فضاهای عمومی و طبیعی، فضاهای جمعی و نیمه‌خصوصی، فضاهای مسکونی، و عناصر معماری و سازه ارائه شده است. بخش پنجم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

۲. روش پژوهش

هدف مقاله پیش رو، واکاوی بازتاب معماری در سروده‌های عامیانه آذربایجانی است. پرسش عمده پژوهش بدین شکل مطرح می‌شود: آیا میان دو جلوه مختلف فرهنگی یعنی معماری بومی و ادبیات شفاهی ارتباطی وجود دارد؟ به طور ویژه خصوصیات کالبدی معماری بومی در روستاهای آذربایجان چه تأثیری بر ادبیات شفاهی گذاشته است؟ با مطالعه سروده‌های عامیانه آذربایجان چه مشخصاتی از معماری بومی بر ما آشکار می‌شود و کدام جنبه‌ها نسبت به دیگری برتری دارند؟

روش گردآوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای و برداشت میدانی و انجام مصاحبه است. مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی تعاریف و مفاهیم پایه از روی منابع داخلی و ادبیات جهانی می‌پردازد و تعاریفی همانند فرهنگ، فرهنگ عامه، معماری و معماری بومی را بررسی می‌کند. تمرکز ویژه این پژوهش بر روی ادبیات شفاهی آذربایجان است و بیش از ۲۵۰۰ سروده از میان ادبیات شفاهی آذربایجان مطالعه شده است و از میان آن‌ها بیش از ۴۰۰ سروده - که زندگی در کالبد روستایی را در فضاسازی خود منعکس می‌کنند - فیش‌برداری و به زبان فارسی ترجمه شده است. در برداشت میدانی، روستاهای آذربایجان به عنوان مرجع اصلی معماری بومی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. پس از مرور پژوهش‌های موجود در رابطه با روستاهای آذربایجان، ابتدا نمونه‌های

موردی از روستاهای پلکانی منطقه اهر و هوراند - که در دامنه کوه قرار گرفته‌اند - شناسایی و صفت‌های کالبدی این روستاها بررسی شده‌اند. برای مطالعه دقیق، نگارندگان از روستاهای اینچار^۱، نیق^۲، کورن^۳ و هوای^۴ در دهستان دودانگه بازدید کرده‌اند. از میان این روستاهای روستای کورن با مختصات E ۷۱۱۲۳۴ m و N ۴۳۱۴۲۷۴^۵ انتخاب شده است. بدین منظور، فضای زندگی و حضور روستاییان در بافت مسکونی روستای کورن برداشت میدانی و تحلیل شده است. ابزار تحقیق شامل مدارک تصویری کالبدی روستای منتخب و مصاحبه شفاهی با نسل قدیم و جدید آذربایجان است. مطالعه تطبیقی انجام‌شده شامل بررسی صفات تشریح شده در ادبیات شفاهی و انطباق آن با فضای کالبدی و طبیعی روستاست.

۳. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های مختلفی به تأثیرپذیری معماری از ادبیات پرداخته‌اند. برای مثال سلطانزاده (۱۳۷۷) معماری و شهرسازی را به روایت شاهنامه در قرن ۴ هجری بررسی کرده است. همچنین شایسته‌فر (۱۳۸۸) تعامل معماری و شعر فارسی را در بناهای عصر تیموری و صفوی به صورت کتیبه‌ها و تزیینات دارای اشعار مکتوب معرفی کرده است. امین (۱۳۸۱) پیوند هنر معماری و هنر شعر در ماده تاریخ‌سازی به خصوص بهره‌گیری از ادبیات منظوم در کتیبه‌های آثار تاریخی را بررسی کرده است. دیباچ (۱۳۸۲) در کتاب شعر و خانهٔ ما معماری را در ادبیات معاصر جست‌وجو کرده و شایگان (۱۳۹۳) چهره شاعرانه ایرانیان و وجوده مثبت و منفی شعر در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایرانی را تشریح کرده است. در پژوهش دیگری استحکامات معماری از روی سفرنامه ناصرخسرو توصیف شده (حسینی‌زاده و ذبیح‌نیا، ۱۳۹۲) یا وصف باغ ایرانی در غزل شعر ایرانی واکاوی شده است (بهشتی، ۱۳۸۷)؛ اما به‌طور مستقیم رابطه میان فرهنگ عامه و معماری در پژوهش‌های اندکی بررسی شده است. برای نمونه می‌توان به توصیف حمام‌های ایرانی از روی ضرب‌المثل‌های فارسی در پژوهش طبسی (۱۳۹۵) اشاره کرد. با وجود پژوهش‌های مختلف در مورد فولکلور آذربایجان همانند «بررسی و تحلیل فرهنگ عامیانه (فولکلور) در اشعار ترکی عاصم اردبیلی» (سروری، ۱۳۹۴)، پیوند میان

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرویدی و همکار

ادبیات شفاهی و معماری بومی روستایی آذربایجان در پژوهشی میان رشته‌ای یافت نشده است.

۴. چارچوب نظری و پیشینه موضوع

۱-۱. واکاوی تعاریف مرتبط با فرهنگ عامه و معماری بومی

گام نخست این پژوهش به دنبال مرور ادبیات جهانی و دیدگاه‌های متفکران داخلی در تعاریف فرهنگ عامه و معماری بومی جهت یافتن نشانه‌های تعامل میان این دو است. با وجود تعاریف مختلف ارائه شده از فرهنگ از قرن نوزدهم تا به امروز، لزوم ارجاع به تعاریف مهم پایه ضروری به نظر می‌رسد. از میان تعریف‌های جهانی موجود، مردم‌شناسان تعریف ادوارد تایلور^۲، در سال ۱۸۷۱ را جامع‌تر دانسته‌اند: «همه آن کل پیچیده که در برگیرنده دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، عادات و هر قابلیت یا عادتی که بشر به عنوان عضوی از جامعه برای خود کسب کرده باشد، فرهنگ نام دارد» (جعفری، ۱۳۷۸: ۵۵). ساترلند^۷ و وودوارد^۸ (۱۹۴۰) در بسط تعریف فرهنگ آورده‌اند: «فرهنگ شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسلی فرا رسانده شود. فرهنگ یک قوم میراث اجتماعی آن است» (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۳). در ادبیات داخلی، محمد منصور فلامکی در تعریف فرهنگ می‌گوید:

فرهنگ که در زبان فارسی کامل‌ترین و زیباترین ریشه و ترکیب لغوی را (در مقایسه با زبان‌های اروپای مرکزی) داراست و چنان که پیش‌تر دیده‌ایم، عناصر «فر» و «هنگ» را در دل دارد، نمایاننده پویایی و تعالی است و به زبان ما، دست یازیدن به هر چه والاست دانسته می‌شود و این معنا، با سکون و رخوت، بیگانه است (۱۳۸۵: ۵۹۹، ۶۰۰).

همچنین، متفکران معاصر ایرانی تعریف فرهنگ را با جست‌وجوی رفتار معنوی هر انسان غنا بخشیده‌اند. علامه جعفری فرهنگ را کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها می‌داند که مستند به طرز تعلق سليم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد (جعفری، ۱۳۷۸: ۶۲). یکی از

تعاریف پرمعنای فرهنگ که بر ارتباط میان انسان و محیط تأکید کرده به دست سید محمد بهشتی با این مضمون ارائه شده است: فرهنگ

دانایی حاصل از تعامل تاریخی انسان با زیستگاهشان است. ... اهل هر فرهنگ با تکیه بر این دانایی است که توانسته‌اند نسل‌های متمدادی در جایی زندگی کنند و مبتنی بر این دانایی است که توانسته‌اند رازهای محل زندگی‌شان را بگشایند و معادلات زیستی آنجا را حل و فصل کنند و اساساً بتوانند در وهله نخست بقا و در شرایط بهتر سعادتشان را تأمین کنند (بهشتی، ۱۳۹۴: ۱).

بدین ترتیب در تعاریف فرهنگ، تعامل با جامعه و محیط زیست برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی و بروز جلوه‌های مختلف به شکل آداب و رسوم، باورها، و سنت‌ها مود توجه قرار گرفته است. اما فرهنگ عامه بر کدام وجه از فرهنگ تأکید دارد؟ پناهی در نوشتاری پس از مرور تعاریف فرهنگ و عامه آورده است که پژوهشگر فرهنگ عامه (معادل فولکلور)، نه تنها به مجموعه ادبیات عامه (قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازها، ترانه‌ها، مثل‌ها، معماهای، لطیفه‌ها) می‌پردازد؛ بلکه تمام سنت‌ها، عادت‌ها، مشاهدات، باورداشت‌ها و آیین‌هایی را که در حیات پیش از تاریخی و تاریخی هر قوم جاری بوده و با اشکال و دگرگونی‌های متنوع، غالباً به صورت شفاهی از نسلی به نسلی سپرده شده است، موضوع جستجو قرار می‌دهد. وی ادامه می‌دهد که این دستاوردها در دانش‌های گوناگون به کار می‌آید؛ همانند تاریخ، جغرافیا، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی، معماری و غیره (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۰). بنابراین، وجه شفاهی فرهنگ عامه متأثر از زندگی در محیط زیست بومی دارای اهمیت بوده و به شکل ادبیات شفاهی سینه به سینه منتقل شده است.

یکی از جنبه‌های مهم شکل‌دهنده بستر شکل‌گیری زندگی روزمره عموم مردم در محیط طبیعی معماری بومی^۹ است. معماری بومی با احترام به رسوم و سلیقه‌های زاده از فرهنگ محیطی شکل گرفته است (آلپاگونلو و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷). معماران و خالقان معماری بومی هنرمندان ناشناسی هستند که سعی در فتح طبیعت ندارند؛ بلکه خود را با طبیعت وفق می‌دهند. با پستی و بلندی‌های زمین حرکت می‌کنند، به تنوع آب و هوا و محدودیت‌های محیط طبیعی احترام می‌گذارند و از آن‌ها برای خلق معماری کمک می‌گیرند (Rudofsky, 1964: 4). معماری بومی دارای خطوط ارتباطی مستقیم،

بی‌واسطه و محکمی با فرهنگ توده‌ها و با زندگی روزمره آن‌هاست (زرگر، ۱۳۹۰: ۹). مردم بومی که سازنده این نوع از معماری هستند با سادگی پالایش شده مبتنی بر قابلیت‌های بستر طبیعی و بر اساس باورها و سنت‌های محلی سرپناهی برای آسایش خود فراهم می‌سازند تا در آن آرام گیرند. بدین ترتیب، معماری بومی می‌تواند بستر الهام‌بخشی برای مظاهر مختلف فرهنگ عامه باشد و در ادبیات شفاهی منعکس شود. این پژوهش بر روی معماری روستایی به عنوان زیرمجموعه‌ای از معماری بومی تمرکز کرده است.

۴-۲. مروری بر ادبیات شفاهی آذربایجان

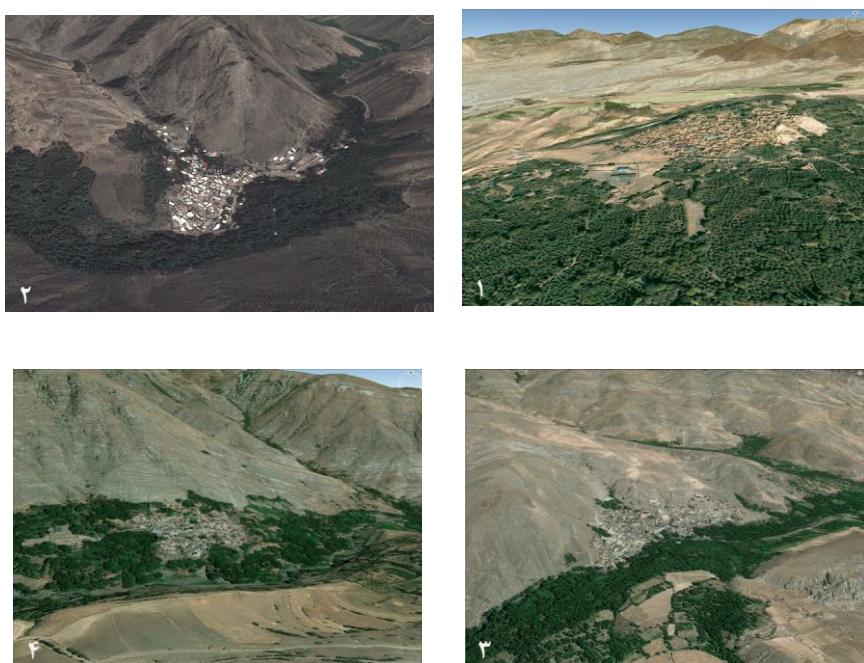
یکی از جنبه‌های مهم فرهنگ عامه سروده‌های شفاهی و فولکلور است. کلمه فولکلور مرکب است از دو جزء فولک^{۱۰} و لور^{۱۱} که جزء اول مردم، توده، عام، خلق ترجمه شده است و بخش دوم داش، آگاهی، دانستن، حکمت و معلومات (بیهقی، ۱۳۶۵: ۱۸). برخی از محققان، فرهنگ ایلات و عشاير مردم کوهپایه‌نشین و روستاهای دور از شهر را فولکلور دانسته‌اند. گروهی به فرهنگ جوامع قدیم و مردم ابتدایی توجه کرده‌اند؛ در حالی که باید گفت، فولکلور در بین تمام جوامع است. مردم شهرها هم مانند روستانشین‌ها از فولکلور بهره می‌برند. حتی مردم شهرهای صنعتی و کشورهایی که تاریخ کهن ندارند نیز دارای فرهنگ عامه هستند (همان، ۱۸).

تمرکز این پژوهش بر روی ادبیات شفاهی یا فولکلور و سروده‌های عامیانه آذربایجان است. فولکلور آذربایجان بنا به علل مختلف^{۱۲}، آثار بسیار غنی و پرشاخ و برگی از ادبیات شفاهی در بردارد. ادبیات فولکلور آذربایجان شامل انواع مختلفی مانند اساطیر و افسانه‌ها، مثل‌ها (آتalar سوزی)، داستان‌ها، چیستان‌ها (تاپماجاها) و لطایف ادبی می‌شود که می‌توان آن‌ها را در دو قالب کلی ترانه‌های بومی آذربایجان با عنوان قوشماها (شامل انواع شعرهای عامیانه مانند بایاتی‌ها، ماهنی‌ها، لایلاها و غیره) و داستان‌ها (شامل داستان‌های کهن، باグラماها، تعریف‌نامه‌ها و منظومه‌های دیگر که توسط آشیق‌ها نقل می‌شوند) دسته‌بندی کرد. درواقع، شالوده ادبیات آذربایجان بر فولکلور بنا شده است (رحمانی‌فر، ۱۳۷۹-۱۳۵). فولکلور آذربایجان انعکاس شیوه

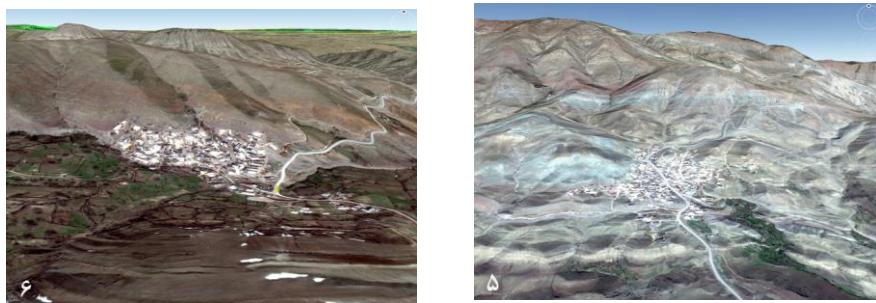
زندگی مردم بومی و باورها و سنت‌ها، آرزوها و افکار درونی آن‌هاست و گنجینه ارزشمندی درباره شناخت مظاہر فرهنگی آذربایجان از جمله معماری بومی فراهم می‌سازد. این پژوهش باياتی‌ها، چیستان‌ها و ضربالمثل‌های آذربایجان را برای یافتن توصیف‌های معماری بومی مطالعه کرده است.

۴-۳. معماری بومی آذربایجان

در این پژوهش معماری روستایی به عنوان یکی از جلوه‌های اصلی معماری بومی در منطقه آذربایجان مورد تمرکز قرار گرفته است. روستاهای پلکانی منطقه آذربایجان اغلب در دامنه کوه رو به آفتاب جنوب و مزارع سرسیز به شکل روستای پلکانی^{۱۳} شکل گرفته‌اند (تصویر ۱).



جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرویدی و همکار



تصویر ۱: موقعیت روستاهای واقع بر روی دامنه کوه رو به جنوب. روستای زُبوزق(۱)، روستای اوشتین(۲)، روستای اینجار(۳)، روستای نیق(۴)، روستای هُوای(۵)، روستای کورن(۶) (مأخذ: (Google Earth).

راهب (۹۶: ۱۳۹۳) در پژوهش خود، خصوصیات بافت مسکونی روستایی این منطقه را این گونه برمی‌شمارد:

- بافت به هم فشرده به دلیل سرمای هوا؛
 - تناسبات نزدیک به مربع حوزه مسکونی، فرم ساختمان مکعب فشرده بر روی سکو، اغلب دو طبقه با اختصاص طبقه همکف به خدماتی و نگهداری دام؛
 - سقف مسطح و اغلب فاقد جانپناه، ایوان در اطراف طبقه اول، وجود فضای رابط به شکل دهلیز میان ورودی و سایر فضاهای مسکونی، پلکان در بیرون ساختمان و تدورخانه؛
 - سازه متداول دیوار باربر سنگی یا خشتشی قطور با سقف تیرپوش چوبی.
- همچنین، نقابی (۹۶: ۱۳۹۳) معماری بومی منطقه آذربایجان شرقی را در چهار روستای تاریخی بررسی و صفاتی همانند تأثیر جبر محیط بر معماری و بافت منطقه و تأثیرپذیری از مصالح بومی را مطالعه کرده است.

۵. تحلیل داده‌ها: بازتاب معماری بومی روستاهای پلکانی در فضاسازی بیاتی‌ها، ضربالمثل‌ها و چیستان‌های آذربایجان

در نتیجه‌گیری از مطالعات وابسته به معماری بومی روستاهای آذربایجان و برداشت میدانی در روستاهای منطقه هوراند، معماری بومی روستا از جنبه‌های مختلفی تحلیل‌پذیر است: ریخت کلی در ترکیب با طبیعت و دید و منظر، فضاهای عمومی و

سبز، فضاهای جمیعی و نیمه خصوصی، فضاهای مسکونی، و عناصر معماري و سازه‌ای. این بخش از پژوهش در جست‌وجوی بازتاب این خصوصیات در فضاسازی سروده‌های شفاهی برداشت شده از میان بایاتی‌ها، ضرب‌المثل‌ها و چیستان‌های آذربایجان است. این بخش از مقاله هر دو جنبه مورد مطالعه یعنی سروده‌ها و خصیصه‌های معمارانه را در پنج دسته کلی به شرح زیر تشریح کرده است.

۱-۵. ریخت کلی روستا در ترکیب با طبیعت و دید و منظر

ترتیب در ادبیات شفاهی تصویر شده است (نک: تصویر ۲). ارتباط میان روستا، کوهستان، دره و مزارع، آفتاب و دید و منظر روستای پلکانی بدین



تصویر ۲: منظر کلی روستای کورن و باغها و مزارع کوهپایه‌ای از جاده هوراند-کورن (مانند: <http://sh-horand.blogfa.com/post/63>).
بافت بلکان: واقع در حنه ب کوه (مانند: نگارنده ده).).

سایهات ها:

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرویدی و همکار

برگردان: در پشت روستا کوه واقع است (موقعیت جایگیری روستا در دامنه کوه)، و سمت دیگر روستا رو به زمین‌های هموار (مزارع و زمین‌های قابل کشت) است، صد سال است که در حسرتم تا چشمان یار به سمت من نظاره گر شود.

ائولری تپه کنلی
قیزیل دان سینه بنلی
چیخسارام یار گورونمهز
بیخسارام بئله کنلی
(اصحابه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: خانه یار در روستایی واقع است که بر دامنه تپه‌ای رو به بالا کشیده شده است (اشاره به روستای پله‌ای مناطق کوهستانی آذربایجان) و گردنبند یار از جنس طلاست. وقتی از پایین تپه به سمت خانه یار - که در بالادست تپه بنا شده است - می‌روم، خانه یار دیده نمی‌شود. این چنین روستایی خراب شود.

شمالمدان بیر یئل اسدی
صبری-قراریم کسندی
ساغ گؤزوم سنه قوربان
سول گؤزوم منه بسندی
(اصحابه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: از جانب شمال بادی (اشاره به باد نامطلوب که درجهت‌گیری روستاها نقش مهمی دارد) وزید که تحمل و توانم را برید. چشم راست من فدای تو باشد؛ زیرا چشم چپم برایم کافی است.

له له بیر کوماتیکلی
اووزنو گونمه تیکلی
بیلمندی کیممه تیکلی
ایچینین صاحبی یوخدو
(احمدی، ۱۳۸۸: ۲۹۸)

برگردان: «له له» یک بنا ساخته است، جهت‌گیری آن به سمت جنوب است؛ در حالی که کسی نیست از آن استفاده کند. او خودش هم نمی‌داند که به چه منظوری دست به این کار زده است (علاوه بر اشاره به جهت جنوب به عنوان بهترین جهت‌گیری بنا، به امکان سنجی قبل از خانه‌سازی اشاره دارد).

ضرب المثل‌ها:

- آغازلی کنلی سئل باسماز (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۷).

برگردان: روستای پردرخت از سیل تخریب نمی‌شود (نقش پوشش گیاهی در تثبیت آرکیوگرافی)

آنرا نهادن کنید تا آنرا آنلا (آنرا)

برگردان: روستای پر از درخت تعداد قبرهایش کم است (اعتقاد به درختکاری و طول عمر شخص درختکار).

فضاهای عمومی و طبیعی

عناصر طبیعی همانند جویبار، نهر، درختان و مزارع و فضاهای ارتباطی همانند پیادهراه‌ها و کوچه‌ها بدین ترتیب در ادبیات شفاهی توصیف شده‌اند (نک: تصویر ۳).



تصویر ۳: جوی‌های آب پای کوه و باغها و مزارع کنار خانه‌ها (۱)، سیزی‌کاری (نعمان) داخل بافت روستا و کوچه‌ها (۲)، دید و منظر از ایوان خانه به مزارع سرسبز (۳) (مأخذ: نگارنده دوم).

پایاتی‌ها:

باغ نان، باغچا نان
ویونج باخ جانا
(احمدی، ۱۳۸۸: ۷۰۷)

برگردان: برسر راه دسته‌های گیاه نعناع روییده است. با غچه‌ای از نعناع، با غی از نعناع روییده است (اجازه دادن به روییدن گیاهان زیبا، دارویی و خوش‌عطر در اطراف این). دیدگان یک عمر منتظر من، حال ابه جانان خود، دل سیر نظاره کن.

کوچھے ھے بیت ر سؤید
کیچیک جھے بیر یار سئویدم
یار پاقی گؤم گؤی سؤید
خدمات اون و تئز بئیود
خ (همان، ۱۱۵)

برگردان: درخت بید در کوچه می‌روید (سایه‌اندازی)؛ بیدی که برگ‌های خیلی سبزی دارد. کسی که من دوستش دارم فعلاً کم سن و سال است، خدایا هرچه زودتر او را بزرگ‌تر کن.

قپاپی فایپ اباخ خار
سن تک نازلی دیلب رین
آراس سیندا سو آخ خار
همامی دالینج اباخ خار
(همان، ۶۰۸)

برگردان: (در یک کوچه) ورودی خانه‌ها روبروی هم در دو طرف هستند و از وسط کوچه آبی روان است. همه در پی دلبری نازنین چون تو، نظاره‌گرند.

۲-۵. فضاهای جمعی و نیمه خصوصی

فضاهای نیمه عمومی که از معتبر عمومی جدا شده‌اند همانند راه باریک تا آستانه در یا راه بن‌بست، و سکوی کنار در، فضای نیمه خصوصی دربند (که اغلب چند در ورودی بدان باز می‌شود)، سکوها و یا به بیانی دیگر فضای پیرنشین به شکل صفحه‌هایی از جنس تخته سنگ، محل جمع شدن و گفت‌وگوی اهالی روستاست و بدین ترتیب در ادبیات شفاهی، فضاسازی شده است (نک: تصویر ۴).



تصویر ۴: دم در برای نشستن (۱)، معبر نیمه خصوصی بن بست (۲)، پشت بام خانه برای خشک کردن علوفه (۳) (مأخذ: نگارنده دوم).

بایاتی‌ها:

مخمر اؤسته سره لر
سینلن منی پیچر لر
(اصحابه شفاهی، ۱۳۹۴)

قیزی ل گ ولی اکر لر
گلمه بی زیم در بن ده

برگردان: گل محمدی را روی مخمری پهن می‌کنند تا خشک شود (پشت بام یا ایوان)، به دربند ما وارد نشو؛ زیرا هم تو را می‌کشند و هم من را (اشارة به فضای خصوصی دربند دارد).

اوره گیم سک سکیده
بیر قیزی ل نعلبکیده
(احمدی، ۱۳۸۸: ۱۸۸)

او تورموش دوم سکیده
اوچ قیزی ل آلمارا گل ده

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرویدی و همکار

برگردان: روی سکوی دم در نشسته بودم (بیشتر عصرها و یا هنگامی که کارهای خانه انجام می‌شد، روی سکوها نشسته و استراحت می‌کردند و همسایه‌ها در آنجا با یکدیگر صحبت می‌کردند). پر از دلهره بودم. ناگهان داخل یک سینی طلایی سه عدد سیب طلایی آمد.

۳-۵. فضاهای مسکونی



تصویر ۵: دالان‌های ورودی در خانه‌های روستا از بیرون به داخل (۱)، از داخل دالان (۲)، از داخل به بیرون (۳) (مأخذ: نگارندگان).

۳-۵. حوزه ورودی

در ورودی، دالان، هشتی (در نمونه‌های معدهد) رابط میان بیرون و درون خانه است و بدین شکل توصیف شده است (نک: تصویر ۵).

بایاتی:

دalan آت _____ دلار نام _____ زا
من سنی گیزلين سئو دیم
نـه تـز سـالـدـین آـواـزا
برگردن: پایین دلان (راهرو ورودی خانه به دربند و کوچه خصوصی) همچون
دروازه می‌ماند. بزرگان برای اقامه نمازه می‌روند. عشقمان پنهانی بود، چه زود آن را
آوازه همه کردی.

ضرب المثل‌ها:

- آچیق قاپونیین مین عیی وار، باغلی قاپونین بیر عیی (وفایی، ۱۳۷۴: ۸).
برگردن: در ورودی اگر بسته باشد، یک عیب بهشمار می‌رود، ولی اگر باز باشد
هزار عیب است (اشاره به اهمیت حفظ محرومیت و سلسله مراتب دارد).
- آرابانی اولچ ، دروازانی تیک (همان، ۱۱).
برگردن: ارابه (درشکه، وسیله حمل بار و غیره) را اندازه بگیر، سپس به ساختن
دروازه ورودی اقدام کن (راعیت اندازه‌ها و مقیاس مناسب هنگام معماری بنا).

۵-۳-۲. حوزه باز و نیمه باز جمعی

ایوان، فضای جنبی ایوان و پشت بام در واحدهای پلکانی، ایوان‌های بهم چسبیده و
رو به جنوب و ایوان‌های به هم متصل و گسترش یافته دورتا دور حیاط در سروده‌های
زیر فضاسازی شده‌اند (نک: تصویر ۶):

بایاتی‌ها:

دام اوـسـدـه دـیـر دـامـی مـیـز
سـن اورـدان بـسـاخـ من بـسـورـدان
قوـشـ اـدـیرـ اـیـوانـیـمـیـز
کـورـ اوـلـسـوـن دـوـشـ مـانـیـمـیـز
(احمدی، ۱۳۸۸: ۷۵)

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرویدی و همکار

برگردان: خانه‌های ما به صورت پله‌ای روی همدیگر بنا شده است. ایوان خانه‌هایمان به هم نزدیک و چسییده است. تو از ایوان خود و من از ایوان خود به هم نگاه می‌کنیم به کوری چشم بدخواهانمان.

گول سونبوللو اولايدی
شیرین دیللى اولايدی
کاشکى سئودیم گوزهل
(اصحابه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: ایوان پر از گل‌های سنبل و سرشار از شکوفه‌هاست. ای کاش زیبارویی که من دوستش دارم شیرین زبان نیز باشد.

ایوان آلتی سکی دیر،
مالت یلان دانیش‌ماز
آلتی پیله سکی دیر
یالان دؤولت حقی دیر
(احمدی، ۱۳۸۸: ۹۸۲)

برگردان: پایین ایوان سکو برای نشستن است؛ سکوهايي که با پله‌هایي به زمین وصل‌اند (ایوان با منظره‌ای جالب و پر از گل و گیاه سکوهايي برای نشستن اهالی دارد). دروغ کار دولت مردان است نه کار مردم عادی.

من عاشقیم، یای دامی
ائللر تیکلی یای دامی
قیش قاپینی آلبیدی
(همان، ۴۷۱)

برگردان: ایل‌ها و مردم خانه تابستان‌نشین بنا می‌کنند. زمستان تا دم در را فرا گرفته و با سپاه خود (برف و یخ‌بندان) خانه تابستان‌نشین را احاطه کرده است.

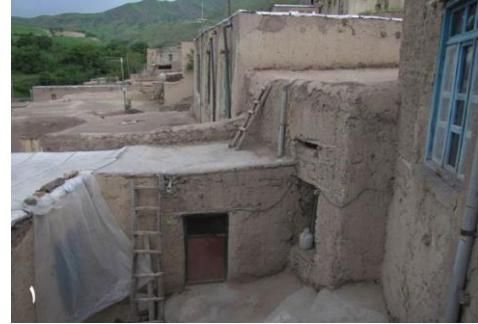
قیزی ل گول و دره‌رم،
ایوان اوسته سرده‌رم،
دامسا بوغدا سررلر،
چیخما بويون گژره‌للر
(همان، ۷۷۲)

برگردان: گل محمدی را در ایوان یا بالای بام ایوان پهن می‌کنند و گندم را پشت بام بندها. پشت بام بدون شب و قوس برای نشستن، خشک کردن ذخیره‌های غذایی و غیره استفاده می‌شود.

چیستان:

- تاپماجا (چیستان): آلچاق دامنان قار یاغیییر «الک» (اصحابه شفاهی، ۱۳۹۴).

از بام کم ارتفاع برف می‌بارد (الک و غربال) (در مناطق سرد کوهستانی آذربایجان به دلایل اقلیمی سقف‌ها کم ارتفاع است که بنای کم ارتفاع طبق این معما با برف و سرما عجین شده است).



تصویر ۶: بافت پلکانی روستا و ایوان‌های بهم پیوسته به عنوان فضاهای نیمه‌جمعی (۱)، فضاهای الحاقی در خانه که به صورت پله‌ای دور تا دور حیاط احداث می‌شود (۲)، حیاط کوچک با ایوان‌های متصل به هم (۳). (مأخذ: نگارنده دوم)

۳-۵. حوزه مسکونی

اجزاء خانه مسکونی همانند زیرزمین یا طبقه همکف مخصوص انبار یا احشام، طبقه بالای آن برای نشیمن و پذیرایی از مهمان با صفات زیر در ادبیات شفاهی تشریح شده است (نک: تصویر ۷):

ضرب المثل:

- گُزه‌ل ائویم گنج ائویم، هر بوجاقدان دینج ائویم (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۸۲).

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرویدی و همکار

برگردان: خانه زیبای من گنج من، که از هر گوش و کناری دنج و مایه آرامش است
(اشاره به مأمن آسایش و آرامش بودن خانه و ملاک راحتی در طراحی به عنوان برترین
ملالک).

بایاتی:

آلت زئزمی، اوست اوتاق
سن اوردان باخ من بوردان
یئل اسدی سیندی بوداق
هاچانا تک قان اوذاق؟
(احمدی، ۱۳۸۸: ۷۰۹)

برگردان: زیرزمین در پایین و اتاق در بالا قرار دارد (فضایی به عنوان زیرزمین در
اقلیم سرد ضرورت دارد. این فضا نه برای زندگی، بلکه اغلب نقش انباری یا در
مواردی طویله دارد). بادی وزید و بوته‌ها را شکست. تا کی من و تو باید از هم جدا
بمانیم؟

ضرب المثل:

- ایکی اوتاق بیر ققهه خانا؛ دلالاری صاندیق خان (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).
برگردان: دو اتاق و یک هال (فضای تقسیم و با کاربری آشپزخانه) میان این دو، و
فضای پشتی اتاق‌ها به عنوان انباری (اغلب لحاف و تشک اضافی و در مواردی وسایل
و خوراک خشک را در آن ذخیره می‌کردن).

تپماجا:

عاشیقم بیر بویدا دیر، بو بی دا، او بوی دا دیر،
آتامین دورد گلینی، دوردوده بیر بویدادیر (اثوین بوجاق‌لاری)
(احمدی، ۱۳۸۸: ۸۳۶)

برگردان: پدرم چهار عروس دارد که هر چهار نفر به یک اندازه و شکل‌اند
(چهارگوش اتاق)، اشاره به تقارن و چهاروجهی منتظم بودن اتاق که اغلب مستطیل و
خوش‌تناسب است.

بایاتی:

یاریمین آغ اوتاقی
نیمه بیزه گلمرسـن؟
ایچینـده گـول بـوداغـی
آـی درـدـیـمـین اـورـتـاـغـی
(همان، ۷۶۳)

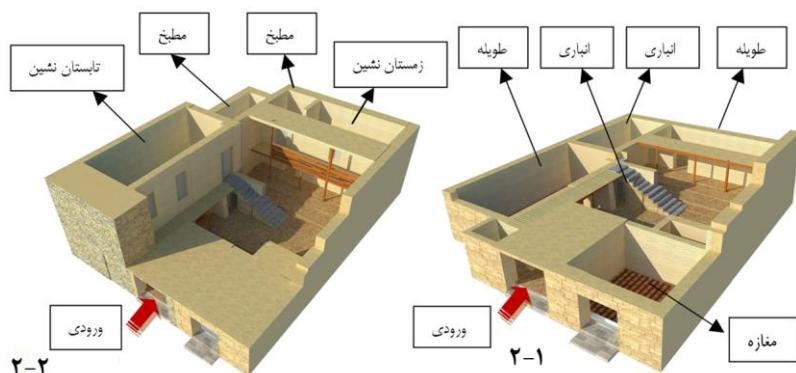
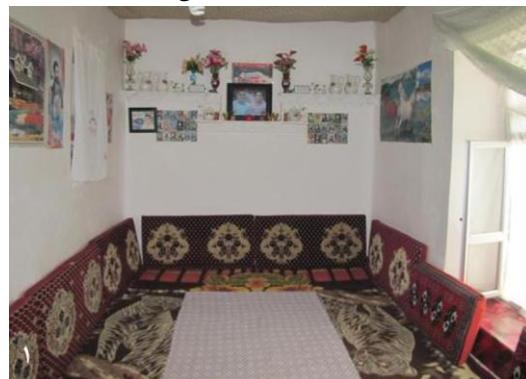
برگردان: اتاقی به رنگ سفید و پر از بوتهای گل مخصوص یارم است. ای چاره دردهای من چرا به سوی من نمی‌آیی؟
ضرب المثل:

- گون گیرمهین او تافا حکیم گیر (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۸۳).

برگردان: اتاقی که نور خورشید بدان نرسد، حکیم باید بدان برسد.

- آغ دامی گوروب قارا دامی یاندیرمازلار (همان، ۱۷).

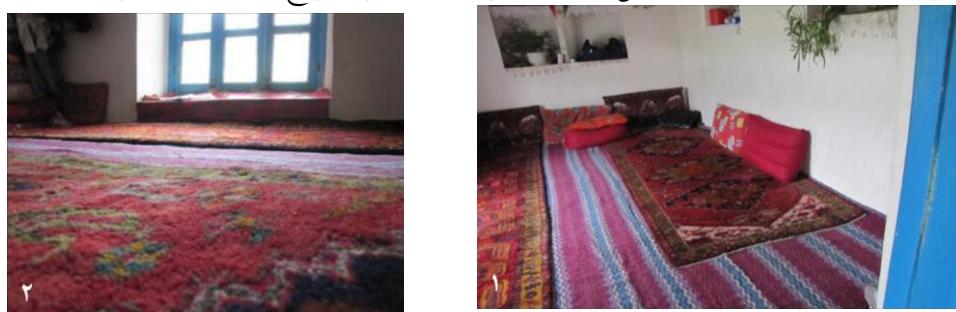
برگردان: بنای سفید و تازه را دیدند و بنای سیاه و قدیمی را تخریب نمی‌کنند
(توجه به مرمت بنها و استفاده مجدد از بناهای قدیمی).



تصویر ۷: تالار بالاخانه (یوخاری باش)، اتاق مخصوص مهمان (۱). تحلیل طبقات خانه آقای آقیان، طبقه همکف (۲-۱)، طبقه اول (۲-۲). (مأخذ: نگارنده دوم).

۵-۴. عناصر معمارانه و جزئیات داخلی، ساختار و سازه

جزئیات ساختاری و فضای داخل خانه در سروده‌های زیر تشریح شده‌اند (تصویر ۸).



۲



تصویر ۸: مبلمان داخلی نشیمن خصوصی خانه آقایان (۱)، ارتفاع کم پنجره جهت امکان دید در حالت نشسته (۲)، گستره دید ورودی خانه به بیرون (۳). (ماخذ: نگارنده دوم).

تاپماجا:

- تاپ تاپی گؤتورر، تاپ بالاسین گؤتورر، بالاسی یارپاق گؤتورر، یارپاق توپراق گؤتورر. «دیره‌ک، پردی، حصیر» (اصحابه شفاهی، ۱۳۹۴).

برگردان: چوب چوب را حمل می‌کند و آن چوب بجهه خودش را، بجهه اش برگ حمل می‌کند، برگ خاک حمل می‌کند (ستون چوبی، شاه‌تیر، حصیر).

این معما سازه یک بنا در این منطقه را توصیف می‌کند. دیرک چوبی شاه‌تیر چوبی را حمل می‌کند. شاه‌تیر تیرهای فرعی را. بر روی این تیرها حصیر قرار دارد که خاک روی خود را حمل می‌کند (پخش نیرو و پوشش). سقف بنها صاف با بام پوشیده از خاک کوییده‌اند.

ضرب المثل:

- دام دیره ک سیز اولماز، طویله کوره ک سیز اولماز (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).
- برگردان: خانه بدون دیرک (ستون) نمی شود، همچنان که طویله بدون پارو نیست.
- دیوار گرگ بنادان قئیم اولا (وفایی، ۱۳۷۴: ۱۱۳).
- برگردان: دیوار باید از لحظه شروع ساختن با خشت اول، ضخیم و مناسب باری که قرار است حمل کند، بنا شود.

بایاتی:

آچیق قوى پنجره‌نى، گؤزوم گۈرسۈن گلنى،
ئىجە قىرىه قويارلار؟ يار دردىنن ئولنى
(مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴)

برگردان: پنجره را باز نگه دار؛ زیرا می خواهم کسی را که می آید ببینم (گستره دید تا ورودی خانه و در مواردی حتی مناطق بیرون حیاط و کوچه را شامل می شود). چگونه دلشان می آید کسی را که از درد هجران یار مرده است تنها یی در قبر بگذارند.
او تاقدا ایپك خالچا، کیم قاتلایما، کیم آچا؟
قوربان اولوم ياریما گولدوره گؤيلوم آچا
(احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۳)

برگردان: قالیچه ابریشمی در اتاق پهن است. چه کسی آن را جمع می کند، چه کسی آن را دوباره پهن می کند؟ (اشارة به پهن کردن قالیچه بالارزش برای حضور مهمان). قربان یارم شوم که که همیشه مرا شاد می کند.

پنجره نین ميللىرى آچىب گىزىل گۈللرى،
اوغلانى يولدان ائىلىر قىزىن شىرىن دىللرى
(همان، ۷۲۳)

برگردان: بر روی نرده های پنجره گل های محمدی شکوفا شده است.

ضرب المثل:

- ائوین بزه کی او جاق دیر (وفایی، ۱۳۷۴: ۵۴).
- برگردان: اjac (شومینه) تزیین اصلی داخل خانه است.

تایپماجا:

- بوردان ووردوم هیندوستان دئرد قاپویا دئرد آستانا «کورسی» (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).

برگردان: از اینجا به هندوستان می‌رسد (گرما)، چهار در برای چهار آستانه دارد (کرسی). به بربا کردن کرسی در فصل سرما اشاره دارد.

- دام دالیندا آت کیشنر «نودان» (مصاحبه شفاهی، ۱۳۹۴).

برگردان: پشت خانه اسب شیشه می‌کشد (ناودانی) (معمولًاً محل قرارگیری ناودان در پشت خانه بوده است تا در هنگام یخ‌بندان مشکل ایجاد نکند).

۶. نتیجه

جمع‌بندی صفات معماری بومی که در ادبیات شفاهی و فولکلور آذربایجان بازتابیده شده است، مشخصه‌های کالبدی گوناگون را با بیانی شاعرانه به ما معرفی می‌کند. برای مثال سروده‌ها شکل پلکانی روستا را با بایاتی در حسرت ماندن از دیدن یار، دید و منظر سرسبز را با ضرب المثل سیل گیر بودن روستای پردرخت، پیوستگی منظر با فضای خصوصی داخل خانه با کمک پنجره‌های گشوده را با بایاتی باز بودن پنجره برای دیدن جانان، فضای جمعی تقویت‌شده با کمک ایوان‌ها و پشت بام‌ها را با بایاتی خشک کردن گل سرخ و گندم، فضاسازی بخش‌های مختلف داخل خانه، جزئیات و تزیینات را با بایاتی اتاق سفید پر گل برای یار و مصالح محلی و بوم‌آورد را با چیستان تشبيه سقف خانه به درخت توصیف کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که سرایندگان ادبیات شفاهی فضای زندگی را با عواطف خود پیوند زده و به جزئیات کالبدی معنایی نغز و لطیف یا پرابهام و سربسته بخشیده‌اند. خصوصیات کالبدی معماری بومی در روستاهای آذربایجان به‌طور مستقیم بر ادبیات شفاهی تأثیر گذاشته و ارزش‌های غیرملموس معماری بومی با زبان سروده‌های عامیانه بازگو شده است.

جدول ۱: فضاسازی ادبیات شفاهی از بافت روستایی آذربایجان

درصد فراوانی سرودها	توصیف متقابل	نمونه سروده شفاهی	خصیصه‌های معماری بومی
%۱۶	به شکل پلکانی واقع در دامنه کوه رو به جنوب و مزارع کشاورزی	باياتی: رو کردن خانه‌ها به سمت دشت و ماندن در حسرت دیدن یار	ریخت کلی در پیوستگی با طبیعت
%۸	دید و منظر آمیخته با فضاهای سبز و طبیعت	ضربالمثل: سیل‌گیر بودن روستای پردرخت باياتی: رویدن نعناع بر سر راه یار	ادغام با طبیعت و دید و منظر سبز
%۵	پنجره‌های گشوده به منظر سبز و یا سکوی استراحت دم در	باياتی: باز بودن پنجره برای نگریستن به جانان یا به دست آوردن سیب طلا در سکوی دم در	پیوستگی فضای جمعی و فردی
%۱۶	وجود فضاهای باز و نیمه‌باز ایوان‌ها و پشت بام‌ها	باياتی: خشک کردن گل سرخ در ایوان و خشک کردن گندم در پشت بام باياتی: نگریستن به یار از ایوان، یا ایوان پر از گل سبل و شکوفه	تقویت فضای جمعی در معماری مسکونی
%۲۷	دارای حوزه ورودی، خدماتی و طویله در همکف و مسکونی در طبقات	باياتی: وجود زیر زمین در پایین و اتاق در بالا و وزیدن باد و ماندن در غم جدایی ضربالمثل: نهی در بسته (یک عیب) و دیدن داخل خانه	تفکیک فعالیت‌های داخل خانه

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرویدی و همکار

		(هزار عیب)	
%۱۸	اتاق سفید، فرش برای مهمان و یا جزئیات به- عنوان مبلمان تزیینی (کرسی و اجاق)	ضربالمثل: خانه همانند گنج و مایه آرامش ساکنان. بایاتی: اتاق سفید پر از بوته گل برای یار. چیستان: کرسی چهارگوش گرما بخش داخل اتاق	جزئیات و تزیینات خانه
%۱۰	دیوارهای سنگی محکم شده با قطعات چوب، سقف چوبی و پوشیده شده با شاخه درخت و گل	چیستان: سقف خانه مثل تنه، شاخه، برگ و خاک یک درخت. ضربالمثل: نفی خانه بدون دیرک (مثل طویله بدون پارو)، خانه با دیوار نازک، و اتفاقی که نور بدان نرسد (حکیم به این اتاق می‌رسد).	استفاده از مصالح بوم آورده

تحلیل کمی تعداد سرودهایی که به وصف هر یک از این خصیصه‌ها پرداخته‌اند می‌تواند اهمیت هر یک را در ذهن مردم بومی آشکار کند و برتری آن‌ها را به ما نشان دهد. در جدول شماره ۱ درصد فراوانی هر یک از خصیصه‌های معماری بومی توجه به مجموع حدود ۴۰۰ سروده فیش‌برداری شده، ارائه شده است. برای مثال مقایسه درصد فراوانی بایاتی‌هایی که به خانه و فضای آن اختصاص داده شده است (۷۳ درصد) چنین نشان می‌دهد که خانه به عنوان قلب زندگی روستایی شاهد حالات متفاوتی از جریان زندگی بوده و سهم مهمی در شکل دادن به خاطره‌ها و داستان‌ها در ذهن مردم داشته است. بدین ترتیب بخش‌های فضایی (همانند اتاق و دالان) و حتی تزیینات و جزئیات آن (همانند کرسی، اجاق و ناوادان) الهام‌بخش سرودهای مختلفی بوده است. بنابراین، در نتیجه‌گیری می‌توان گفت که میان دو جلوه مختلف فرهنگی

یعنی ادبیات شفاهی و معماری بومی در آذربایجان ارتباط محکمی وجود دارد. چنانی به نظر می‌رسد که مردم بومی به فضاهای ارزش بخشیده و آن را از حالت نیاز عملکردی صرف به فضای با هویت منعکس‌کننده گوهر زندگی تبدیل کرده‌اند. این تحقیق ارزش سروده‌های شفاهی آذربایجان را به عنوان سندي برای توصیف زیبایی فضای زندگی در پیوند با معماری بومی به تصویر کشیده است.

رویکرد آتی پژوهش مطالعه وضع موجود پیوند میان ادبیات شفاهی و معماری بومی آذربایجان است. هنگام انجام برداشت‌های میدانی در روستای کورن صفات معرفی شده در سروده‌های عامیانه در معماری جدید (اگر ساخت و سازهای تقليدی و بی‌هویت را بتوان معماری نامید) فراموش شده و ساختارهای جدید خود را به معماری بدون هویت و بدون مکان و زمان مدرن شهری نزدیک کرده بودند (تصویر ۹). همچنین، بر اساس مصاحبه‌های انجام‌یافته، نسل قدیم آذربایجان بایاتی‌ها، مثل‌ها، و چیستان‌ها را به خاطر دارند و در مکالمه خود به کار می‌بنند؛ صفتی که در جوانان کمرنگ شده بود. علت‌یابی این موضوع با رویکرد یکپارچه‌نگر نسبت به مظاهر مختلف فرهنگی برای حفاظت از بقا و پایداری فرهنگ عامه اقوام ایرانی از جمله منطقه آذربایجان ضروری به نظر می‌رسد.





تصویر ۹: خانه‌های تازه‌ساخت روستا با سازهٔ بتی و نمای آجر سه سانتی (۱، ۲) (مأخذ: نگارنده دوم). مسجد تازه‌ساخت روستا با نمای سنگ (۳) (مأخذ: سیروس محمدیان).

قدردانی

این پژوهش از راهنمایی ارزنده اساتید بزرگوار آقای دکتر مهدی حجت و آقای سید محمد بهشتی بهره برده است. در این پژوهش افراد مختلفی در هماهنگی و برداشت‌ها ما را یاری کرده‌اند. در اینجا از خانم شیما عزیزی برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با تعاریف پایه فرهنگ، آقایان آیدین برزیبی، برای هماهنگی با دهیاری روستا و همکاری در پروژه، خانواده آقایان و تمامی اهالی روستای کورن که در تهیه عکس‌ها و مصاحبه‌ها بیشترین همکاری را به عمل رساندند، تشکر می‌شود. همچنین، از خدمات بی دریغ آقای داد و شیخی اینالو که در جمع‌آوری ادبیات شفاهی و تحلیل آن‌ها ما را یاری کردند، سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

1. injar
2. niq
3. Kuran
4. Hovay

۵. میان کوههای قابلی داش و بابا داغی در غرب، مدیلی در شمال، دیک داش و یا بدل در شرق و کورن داغی در جنوب قرار گرفته است (در فاصله ۳۵ کیلومتری شمال شرق شهر هوراند).

6. Sir Edward Burnett Tylor
7. Edwin Hardin Sutherland
8. Woodward
9. vernacular architecture
10. folk

11. lor

۱۲. محمد رحمانی فر از جمله مهم‌ترین این علل را نحوه تشکیل لهجه آذربایجان می‌داند؛ زیرا از ادغام مهاجران اوغوز سلجوقی با قبچاق‌ها و خزرها و اوغوزهای پیشین ساکن در آذربایجان، زبان ترکی آذربایجان امروزی به وجود آمد (رحمانی فر، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

13. stepped village

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*. تهران: آگاه.
- آپاگونولو، آدریانو و همکاران (۱۳۸۴). *معماری بورسی، انجمان فرهنگی ایتالیا*. تهران. ترجمه علی محمد سادات افسری. تهران: مؤسسه علمی فرهنگی فضا.
- احمدی، ناصر (۱۳۸۸). *تورک باستانی‌لاری*. تهران: تک درخت.
- امین، سیدحسن (۱۳۹۱). *تعامل معماری و شعر فارسی*. کتاب ماه هنر. ش ۵۳-۵۴. صص ۱۹-۲۴.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۷). «غزل باغ ایرانی». *گلستان هنر*. ش ۱۱. صص ۸-۱۲.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۴). «کارنامه مدیریت سرزمینی: پیروی از «اشه» یا «دروغ»!؟». *نخستین همایش ملی میراث فرهنگی و توسعه پایدار*. تهران: موزه ملی ایران.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). *پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- پناهی سمنانی، حسین (۱۳۸۰). *فرهنگ عامه*. دانش و مردم. ش ۲. صص ۲۰۵-۲۰۷.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). *فرهنگ پیرو فرهنگ پیشو*. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حسینی‌زاده مهرجردی، سعیده و آسیه ذیبح‌نیا عمران (۱۳۹۲). *بررسی معماری استحکامات در سفرنامه ناصرخسرو*. پژوهش‌های ادبی و بلاغی. د ۱. ش ۴. صص ۱۱۲-۱۲۵.
- دیباچ، موسی (۱۳۸۲). *شعر و خانه ما: تحقیق در معماری و ادب معاصر*. تهران: پیوند نو.
- راهب، غزاله (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی پنهانه‌های شکل‌گیری مسکن در سکونتگاه‌های روتایی ایران در تعامل با عوامل محیطی». *هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی*. د ۱۹. ش ۴. صص ۸۷-۱۰۰.

جستاری در تعامل فرهنگ عامه و معماری: بازتاب معماری بومی... الهام اندرووی و همکار

- رحمانی فر، محمد (۱۳۷۹). نگاهی نوین به تاریخ دیرین ترک‌های ایران. تبریز: مؤسسه نشر اخت.
 - روشن، حسن (۱۳۵۸). ادبیات شفاهی مردم آذربایجان. تهران: دنیا.
 - زرگر، اکبر (۱۳۹۰). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
 - سروری، اعظم و نورالدین پیدا (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل فرهنگ عامیانه (فولکلور) در اشعار ترکی عاصم اردبیلی». همایش بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی. تهران
 - سلطانزاده، حسین (۱۳۷۷). معماری و شهرسازی ایران به روایت شاهنامه فردوسی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۸). «تعامل معماری و شعر فارسی در بناهای عصر تیموری و صفوی». مطالعات هنر اسلامی. شن. ۱۱. صص ۱۰۴-۷۹.
 - شایگان، داریوش (۱۳۹۳). پنج اقلیم حضور (فردوسی، خیام، مولوی، سعدی، حافظ): بحثی درباره شاعرانگی ایرانیان. تهران: فرهنگ معاصر.
 - طبسی، محسن (۱۳۹۵). «حمام‌ها در ضرب المثل‌های فارسی». فرهنگ و ادبیات عامه. د. ۴. شن. ۱۱. صص ۱۲۹-۱۵۲.
 - فلامکی، محمدمنصور (۱۳۸۵). شکل‌گیری معماری در تجارت ایران و غرب. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.
 - کریمی، محمدرضا (۱۳۸۸). ادبیات شفاهی آذربایجان. تهران: تکدرخت.
 - نقابی، محبوبه (۱۳۹۳). «معماری بومی پایدار در منطقه آذربایجان شرقی با مطالعه موردي». دومنین کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری. تبریز: دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی سازه، معماری و توسعه شهری.
 - وفایی، زهره (۱۳۷۴). فولکلور گنجینه سی. ج. ۴. ضرب المثل لر. چ. ۱. تبریز: زینب.
- ICOMOS (1999). "Charter on the Built Vernacular Heritage". *Ratified by the ICOMOS 12th General Assembly*. Mexico: October 1999.
 - Rudofsky Bernard (1964). *Architecture without Architects: A Short Introduction to Non-Pedigreed Architecture*. Doubleday & Company. Inc. Garden City: New York
 - Nas, Peter J.M. (2002). "Masterpieces of Oral and Intangible Culture: Reflections on the UNESCO World Heritage List". *Current Anthropology*. Vol. 43. No. 1. pp. 139-148.

An essay on the interaction of folk culture and architecture: the reflection of local architecture in Azerbaijan oral literature

Elham Andaroudi^{*1}, Mohammad Sheikhi Ilanlou²

1. Assistant Professor / Department of Architecture / Faculty of Fine Arts Campus / Tehran University.

2. Mohammad Sheikhi Inanlou / M.Sc. in Iranian Architectural Studies / Faculty of Architecture / Fine Arts Campus / Tehran University.

Receive: 1/10/2017 Accept: 06/08/2018

Abstract

Public culture reflects the beliefs and customs of people who interact with aboriginal lifestyles in various manifestations, including oral literature. In addition, local architecture has been developed in interaction with society and the natural environment and has common roots with popular culture. By adopting an interdisciplinary approach, the current research seeks to investigate popular culture and local architecture. The aim of this research is to scrutinize the reflection of local architecture in popular Azerbaijani poetry. To this end, more than 2,500 samples of couplets, riddles and proverbs have been studied, and the poems that describe the native architecture have been analyzed. Thus, based on field observations of selected villages, this research has described the features of local architecture in terms of landscape, texture of stairs and common areas, sections and house elements, as well as structure and details of the space of the poems. The compilation of the results shows that the space of the house, like the heart of life, with its elements and parts, has the highest frequency of the subject among the poems. The research has concluded that in popular poems, the physical characteristics of local architecture are poetically or metaphorically described. It seems that musicians have perceived the intangible values of spaces and translated them beyond the function or the physical body into a reflection of the culture of the ecosystem. This research highlights the need for an integrated approach to the preservation of cultural manifestations in forthcoming approach, with the problem of diminishing the characteristics described in the poems of Azerbaijan's new indigenous architecture and progressive oblivion of poems in the spirit of the new generation.

Keywords: Popular culture, Local architecture, Oral Literature of Azerbaijan, Folk songs, Stair village

*Corresponding Author's E-mail: andaroodi@ut.ac.ir